



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نواهی

تاریخ: ۲/ مهر/ ۱۳۹۹

موضوع جزئی: تنبیهاات اجتماع امر ونهی - تنبیه اول - عبادات مکروهه -

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۴۲

راه حل پنجم و ششم در قسم اول

جلسه: ۹

سال دوازدهم

### « الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

#### خلاصه جلسه گذشته

در قسم اول از عبادات مکروهه مثل روزه عاشورا راه حل هایی ارائه شده برای تعلق نهی و کراهت به این عبادات، تا کنون راه حل اول محقق خراسانی و راه حل محقق نایینی ذکر شد و اشکالات آنها بیان گردید. راه حل سوم نیز بنا بر مبنای مختار بود که اجتماع امر و نهی جایز است و نزاع در مسئله اجتماع امر و نهی اختصاص به عموم و خصوص من وجه ندارد و شامل عموم خصوص مطلق هم می شود. البته بنا بر مبنای مختار چنانچه خواهد آمد، راه حل منحصر در این نیست، ممکن است راه حل های دیگری هم ارائه شود و محذور و مشکلی نداشته باشد. راه حل چهارم بنا بر مبنای صاحب فصول بود که قائل به اجتماع هستند ولی نزاع را منحصر به جایی می داند که بین عنوان ها نسبت عموم و خصوص من وجه باشد.

محقق خراسانی به غیر از آن راه اول که بیان کردیم، یعنی مسئله تراحم مستحبین، دو راه دیگر نیز ذکر کردند؛ این دو راه گرچه چندان مورد توجه (مخصوصا راه دوم) واقع نشده است، ولی برای کامل شدن بحث این دو راه را نیز خوب است که مورد بررسی قرار دهیم، البته دیروز اشاره ای به راه دوم محقق خراسانی کردیم، اما برای کامل شدن بحث، مجموعه راه حل ها را مورد تعرض قرار می دهیم. (کسی نگوید این چه ضرورتی دارد که این همه راه حل که مورد اشکال است طرح شود و مورد رسیدگی قرار بگیرد در پاسخ عرض می کنیم که عمده هدف در طرح انظار و آراء مختلف این است که با مذاق بزرگان، با چارچوب فکری اعلام، آشنا شویم و راه تفکر و نقد و بررسی را از رهگذر طرح آراء این بزرگان یاد بگیریم، پس غیر از اینکه طرح آراء این بزرگان در خود آن موضوع اهمیت دارد ولی فایده اهمش بر می گردد به اصل راه نقد و تفکر در مورد موضوعات و آشنایی با مبانی فکری اعلام و بزرگان، اگر بخواهیم راه حل دوم محقق خراسانی را در قسم اول عبادات مکروهه در عداد بقیه راه حل ها ذکر کنیم در واقع می شود راه حل پنجم. دیروز اشاره ای نیز به این راه حل داشتیم.

#### راه حل پنجم

طبق راه حل دوم محقق خراسانی، در واقع ترک صوم مصداق مخالفت با بنی امیه نیست، اینطور نیست که مسئله انطباق مطرح باشد، طبق این راه حل، ترک صوم ملازم با مخالفت با بنی امیه است یعنی کانه طلب متعلق شده به مخالفت با بنی امیه لکن مخالفت با بنی امیه در اینجا ملازم با ترک صوم است.

پس فرق راه حل اول محقق خراسانی و راه حل دوم ایشان که در شمارش ما می‌شود راه حل پنجم در این است که در راه حل اول مسئله انطباق مطرح بود و اینجا مسئله ملازمه، مخالفت با بنی‌امیه مصلحتی دارد و از آنجا که ملازمه با ترک صوم دارد اگر صوم محقق شود، دیگر آن عنوان تحقق ندارد، لذا ترک الصوم ملازم است با آن عنوان و گفتیم یک فرقی نیز بین این دو راه است و آن مسئله اینک:

طبق فرض انطباق، نهی که به صوم متعلق شده، یک نهی حقیقی است، زیرا یک طلب استحبابی به ترک صوم محقق شده است، کانه از ما خواستند روزه نگیرید، آن را طلب کردند و این یک مصلحت راجحه دارد، اما در جایی که سخن از ملازمه است، طلب، به ترک صوم متعلق نشده است بلکه به عنوانی متعلق شده که ملازم با ترک صوم است و قبلاً هم گفته شد که طبق مبنای محقق خراسانی اگر یکی از متلازمین حکمی داشت لزوماً طرف دیگر ملازمه آن حکم را ندارد، می‌تواند حکمشان متفاوت باشد اینجا عنوان مخالفت با بنی‌امیه می‌تواند حکمش استحباب باشد اما ضرورتی ندارد طرف ملازمه که این جا ترک صوم است آن هم مستحب باشد. بنابراین طبق فرض ملازمه و در این راه حل پنجم ترک الصوم مستحب نیست، آنچه که مستحب است مخالفت با بنی‌امیه است، پس نهی که به این صوم خورده است در واقع نهی حقیقی نیست، بلکه یک نهی مجازی است، کانه اگر گفته می‌شود ترک صوم مستحب است در واقع مجازاً گفته می‌شود که مستحب است و الا ترک صوم استحبابی ندارد، این فرق اساسی راه حل پنجم و راه حل اول است، یا به تعبیر دیگر فرق راه حل اول و دوم محقق خراسانی است.

#### **بررسی راه حل پنجم**

اگر بخواهد این راه حل به دقت مورد ارزیابی قرار بگیرد، بعید نیست به همان راه حل چهارمی که گفتیم برگردد، آنجا نیز گفته شد که نهی متعلق شده به تشبه به بنی‌امیه و صوم به عنوان مصداقی از تشبه به بنی‌امیه منهی عنه است، حال اینجا می‌گوییم: طلب به مخالفت با بنی‌امیه متعلق شده و این ملازم با ترک صوم است، پس آنچه که در واقع مستحب است مخالفت با بنی‌امیه است، لکن ملازمه با ترک صوم دارد و این معنایش این نیست که ترک صوم مستحب باشد، نتیجه این راه این است که ترک صوم مستحب نیست، اگر گفتیم ترک صوم مستحب نیست و همه چیز برگردد به مسئله تشبه و مخالفت با بنی‌امیه، بعید نیست بگوییم این راه حل هم فی الجمله محذوری ندارد و اساساً شاید اتخاذ راه حل چهارم از این سخن محقق خراسانی است.

اینجا به یک نکته‌ای عنایت فرماید، یک توضیحی عرض می‌کنم و با توجه به این توضیح وارد بیان راه حل ششم می‌شویم.

#### **سوال:**

**استاد:** محقق خراسانی در قسم اول سه راه حل بیان کردند، یکی مسئله ملازمه در مقابل مسئله انطباق که همان تزامم مستحبین بود این تفاوت دارد با آن راه حلی که در قسم دوم هم آمده و حمل نهی تنزیهی بر ارشاد است که آن را عرض می‌کنیم.

#### **راه حل ششم**

##### **مقدمه**

قبل از اینکه این راه حل را ذکر کنم فقط نکته‌ای را یادآوری می‌کنم، خوب دقت کنید، اینجا جایی است که محل لغزش اقدام واقع شده و بعضاً بین اینها به درستی تفکیک صورت نگرفته است. جلسه اول عرض کردم محقق خراسانی عبادات مکروهه را سه قسم کرد، قسم اول مثل صوم فی یوم العاشور است که در آن نهی به خود عبادت خورده است و بدل هم ندارد، قسم دوم آن است که نهی

به عبادت متعلق شده و بدل هم دارد مثل نماز فی الحمام، قسم سوم جایی است که نهی متعلق شده به نماز، مثل نماز در موضع تهمت. محقق خراسانی در قسم اول سه راه حل ذکر کردند، در قسم دوم فرمودند: همان سه راه حل طابق النعل بالنعل جاری می‌شود به اضافه یک راه حل چهارمی که این به خصوص در قسم دوم جریان دارد. راه حل سوم محقق خراسانی در قسم اول مثل روزه روز عاشورا این است که نهی را حمل بر ارشاد کنیم، اتفاقاً راه حل چهارمی هم که در قسم دوم ذکر می‌کنند حمل نهی بر ارشاد است، کأنه در قسم دوم، یعنی نماز در حمام که بدل و جایگزین دارد ایشان دو طریق برای حل مسئله ارائه می‌کند که این دو در حمل نهی بر ارشاد مشترکند اما در عین حال با هم فرق هم دارند، کأنه در قسم اول یعنی روزه روز عاشورا یک راه این است که نهی تنزیهی که به عبادت متعلق شده، حمل بر ارشاد شود، حالا این را توضیح می‌دهیم، در قسم دوم یعنی نماز در حمام، آنجا نیز آن دو راه حل را گفتند جریان پیدا می‌کند، راه حل سوم نیز جریان پیدا می‌کند، یعنی نهی را حمل بر ارشاد می‌کنیم، اما به نحوی دیگر نیز می‌شود نهی را حمل بر ارشاد کرد، چه فرقی می‌کند؟ منظور از حمل نهی تنزیهی بر ارشاد این است که بگوییم لاتصم یوم العاشور نهی یک نهی ارشادی است، لاتصل فی الحمام نیز نهی ارشادی است ولی آیا اینها با هم فرق دارد؟ بله، این آن نکته‌ای است که خواستم اشاره کنم که توجه داشته باشید اگر لاتصم یوم العاشور به نظر محقق خراسانی نهی ارشادی است، این یک تفسیری می‌توانیم برایش ذکر کنیم و اگر در قسم دوم یعنی لاتصل فی الحمام نیز گفته می‌شود این نهی یک نهی ارشادی است، این هر دو تفسیر در آن جریان پیدا می‌کند، در قسم اول فقط یک تفسیر می‌توانیم ارائه دهیم از نهی ارشادی، اما در قسم دوم یعنی نماز در حمام دو تفسیر از این نهی ارشادی می‌توانیم ارائه دهیم که البته اینها با هم فرق می‌کنند.

به کلام بزرگان که رجوع می‌کنیم یکی از راه حل‌هایی که بزرگانی از جمله امام خمینی، صاحب منتقی الاصول و بعضی دیگر برای حل این مشکل ارائه دادند همین است و اصلاً روی این تکیه کردند که این نهی یک نهی تنزیهی و کراهتی که متعلق به روزه شده است یا متعلق به نماز فی الحمام شده، این نهی ارشادی است. باید ببینیم طبق تفسیر این آقایان کدام یک از آن دو احتمال و دو تفسیر درست است؟ آنها کدام یک از آن دو را به عنوان راه حل ذکر کردند؟ این نکته‌ای است که من تذکرش را لازم دانستم برای اینکه بدانید برای حمل نهی تنزیهی بر ارشاد دو تصویر قابل ارائه است و اینها با هم فرق دارند و بعد با ملاحظه امکان دو تفسیر برای نهی ارشادی نسبت به این نهی تنزیهی کراهتی، آن وقت بتوانیم ارزیابی کنیم راه حل بزرگانی که به این راه روی آوردند کدام یک از این دو تفسیر است، من فقط یک اشاره اجمالی به فرق این دو راه حل می‌کنم، بعد که تفصیل آنها را بیان کردیم بیشتر فرقیان آشکار می‌شود.

## راه حل

در قسم اول یعنی در راه حلی که ما الان ذکر می‌کنیم یعنی صوم روز عاشورا، این همان راه حل ششم است که می‌شود راه حل سوم محقق خراسانی در قسم اول عبادات مکروهه؛ محقق خراسانی می‌گویند: در راه حل اول و دوم نهی مولوی بود اما طبق این راه حل نهی ارشادی است، معنای مولویت نهی در راه حل اول و دوم این است که منهی عنه دارای منقصت است، اما وقتی می‌گوییم، لاتصم یوم العاشور نهی ارشادی است، در واقع نمی‌خواهد بگوید این فعل یک منقصتی دارد، نمی‌خواهد بگوید این فعل یک مصلحت پایینی دارد، می‌خواهد ما را راهنمایی کند به اینکه اگر می‌خواهید به یک مصلحت بالاتر برسید این فعل را ترک کنید، پس لاتصم یوم العاشور در واقع راهنمایی و هدایت می‌کند ما را به اینکه راه وصول به مصلحت قوی‌تر راه وصول به مصلحت بیشتر، آن

هفتاد هشتاد درجه مصلحت، این است که روزه نگیرید، اما معنایش این نیست که روزه کراهت دارد، این روزه خودش منهی عنه به نحو مولوی نیست بلکه لاتصم یوم العاشور در واقع می‌خواهد این را بگوید: ای مکلف، اگر روزه بگیری به پنجاه درجه مصلحت می‌رسی ولی می‌گویند نگیر که نگرفتن یک مصلحت بالاتری دارد. پس مسئله کراهت به آن معنا مطرح نیست، آن مشکلی که به نظر برخی می‌آید که عبادات مکروه باشد، چطور می‌شود که لاتصم یوم العاشور دلالت بر کراهت کند، این اشکال وارد نیست زیرا این نهی یک نهی ارشادی است به اینکه مصلحت بیشتر در گرو ترک است و مقابله همان امر استحبابی به روزه وجود دارد و آن امر استحبابی دلالت می‌کند که روزه روز عاشورا همان مصلحت پنجاه درجه ای خود را داشته باشد. این در حقیقت راه حل ششم است که در واقع راه حل سوم محقق خراسانی در قسم اول است، البته ایشان در ذیل این راه حل تصریح می‌کند که دیگر فرق نمی‌کند در مقام ارشاد، بین اینکه ما از طریق ملازمه این را به دست بیاوریم یا از راه انطباق، هر دو ممکن است، یعنی ممکن است نهی به عنوانی ارشاد کند که منطبق بر ترک است و ممکن است این نهی ما را به عنوانی ارشاد که که ملازم با ترک است که این خیلی تاثیری در ماجرا ندارد.

اما راه حل ششم، آنچه که ما اینجا اسمش را گذاشتیم راه حل ششم که در واقع همان راه حل سوم محقق خراسانی در قسم اول است، ایشان می‌فرماید این راه به عینه در قسم دوم نیز جریان پیدا می‌کند، یعنی در نماز در حمام نیز این راه می‌تواند این مشکل را حل کند می‌توانیم بگوییم لاتصل فی الحمام به عنوان عبادتی که منهی عنه واقع شده و بدل هم دارد زیرا می‌تواند این عبادت را در خارج از حمام امتثال کند به خلاف صوم یوم العاشور که بدل نداشت، اینجا هم می‌توانیم بگوییم لاتصل فی الحمام یک نهی ارشادی است، یعنی در واقع این نهی دارد ارشاد می‌کند ما را به اینکه اگر می‌خواهی مصلحت بیشتری عاید شود، نماز در حمام را ترک کن، این نهی مولوی نیست، نهی ارشادی است، یعنی ارشاد به اینکه وصول به مصلحت بیشتر و مصلحت راجح در گرو ترک نماز در حمام است، این دقیقا مثل همان تفسیری است که در قسم اول ارائه شد، اما به غیر از این تفسیر که طابق النعل بالنعل هم در قسم اول از عبادات مکروهه و هم در قسم دوم از عبادات مکروهه قابل ارائه و قابل ذکر است، یک تصویر دیگری نیز می‌توانیم برای نهی ارشادی ذکر کنیم. من فقط اشارتا اینجا این فرق را بیان می‌کنم و توضیح بیشتر را می‌گذاریم در قسم دوم.

اجمال تصویر دومی که برای نهی ارشادی می‌توانیم ذکر کنیم این است که (این مربوط به نماز در حمام است نه صوم یوم العاشور) لاتصل فی الحمام به عنوان نهی که متعلق به نماز در حمام شده، ما را ارشاد می‌کند به اینکه نماز را و مأموریه را در ضمن یک فرد دیگری غیر از این فرد اتیان نمایید یعنی ارشاد به فرد یا افراد و مصادیقی که فاقد منقصد و اقلیت در ثواب می‌باشند، خب ممکن است بگویید چه فرقی می‌کند، آنجا ارشاد می‌کرد به یک فعل یا کاری که مصلحت بیشتری دارد، اینجا ارشاد می‌کند به افراد و مصادیقی که این منقصد در ثواب آنها نیست؟

فرقش این است که در نهی ارشادی جاری در قسم اول ما یک عنوان راجحی داشتیم که یا منطبق بر ترک بود یا ملازم با ترک و ارشاد و راهنمایی و هدایت به تحصیل آن عنوان راجح بود، ارشاد به تحصیل عنوان مخالفت با بنی‌امیه، لاتصم یوم العاشور، نهی ارشادی است که ما را ارشاد می‌کند به تحصیل عنوان مخالفت با بنی‌امیه به این دلیل که مصلحت بیشتری دارد، پس مرشدالیه در قسم اول (در نهی از صوم یوم العاشور) ترک طبیعه مأموریه بود، ترک صوم فی یوم العاشور بود، ترک صلوة فی الحمام است، در آن نهی ارشادی با تصویر اول، اما اینجا چه؟ در این تصویر دوم از نهی ارشادی وقتی می‌گوید: (چون گفتیم این تصویر دوم در قسم

دوم فقط جاری است) لاتصل فی الحمام در واقع ما را ارشاد می کند که به این طبیعت در ضمن سایر افراد و مصادیق اتیان کنیم، یعنی نماز با خصوصیت فی الدار، فی المسجد، خود آنها دارای مراتب است، ما را ارشاد به افراد دیگر می کند. به عبارت دیگر در این قسم در مثل نماز در حمام ما یک عنوان راجحی نداریم که آن عنوان راجح منطبق یا ملازم با ترک باشد زیرا اینجا اصلا مسئله ترک مطرح نیست بلکه در واقع یک مقایسه ای صورت می گیرد بین افراد و مصادیق و کانه گفته می شود مثلا آن افراد ثواب و مصلحتشان بیشتر است، قهرا نتیجه اش این است که این ثوابش کمتر است. پس عمده فرق بین این دو تصویر از نهی ارشادی این است که در تصویر اول از نهی ارشادی، در واقع نهی ارشاد می کند به آن عنوان راجح و متوجه ترک می شود که حالا آن عنوان راجح یا منطبق با ترک است یا ملازم با ترک است، تمرکزش بر ترک است طبق این تفسیر اصلا مسئله ترک مطرح نیست، این ارشاد می کند به افراد دیگر با مصلحت بیشتر، ارشاد به مصادیق دیگر با مصلحت بالاتر و این دو بینشان فرق است.

فتحصل مما ذکرنا کله: در راه حل ششم که در واقع همان راه حل سوم محقق خراسانی در قسم اول عبادات مکروهه است، یعنی صوم روز عاشورا، این نهی، نهی ارشادی است، اگر ما از مداومت ائمه بر ترک روزه روز عاشورا به دست می آوریم که یک نهی تنزیهی وجود دارد، از این لاتصم یوم العاشور را به دست می آوریم، این نهی یک نهی مولوی نیست، بلکه ارشادی است و ارشاد به آن عنوان راجح است که دارای مصلحت قوی تر است و آن عنوان، مخالفت با بنی امیه است که می تواند منطبق بر ترک صوم یا ملازم با آن باشد، بر این اساس مشکل بر طرف می شود و مسئله از مصادیق اجتماع امر و نهی نیست، زیرا اساسا ترک هذا الصوم طلبی به آن تعلق نگرفته تا مستحب شود، دیگر آن وقت مشکل تعلق کراهت به عبادت مطرح نیست، یعنی اساسا نهی به این عبادت نخورده است، نهی حقیقی متوجه نشده است، اگر هم می گوئیم ترک این صوم مستحب است مجازا می گوئیم، آن که مستحب است مخالفت با بنی امیه است، لکن چون ملازم با این عنوان شده ما می گوئیم مستحب است. و باز هم تاکید می کنم این راه حل هم در قسم اول جریان دارد و هم در قسم دوم، لکن در قسم دوم یعنی صلوة فی الحمام یک تصویر دیگری از نهی ارشادی می توانیم ارائه دهیم که با این تصویر با هم متفاوت می باشند، در صوم یوم عاشورا یک تصویر و یک تفسیر از نهی ارشادی قابل ذکر است اما در نماز در حمام هر دو تفسیر از نهی ارشادی قابل بیان است. فرق این دو را نیز عرض کردیم، در این تصویر که ما در بحثمان به عنوان راه حل ششم ذکر کردیم ارشاد به ترک است ارشاد به یک عنوانی است که راجح است و ملازم و منطبق با ترک است، اما در تصویر دوم اصلا مسئله ترک مطرح نیست بلکه صرفا ارشاد به اتیان الطبیعه فی ضمن سایر الافراد و المصادیق است، یعنی کانه یک مقایسه ای بین افراد و مصادیق می شود و کانه این را به ما می گوید آن افراد و مصادیق را بیاورید که دچار اقلیت ثواب نیستند. این راه حل در کلمات بعضی از بزرگان نیز پذیرفته شده است حال باید ببینیم آنچه که به عنوان راه حل در کلام بزرگان ارائه شده است و به طور کلی آن را بیان کردند و فرقی بین قسم اول و دوم نگذاشتند و به طور کلی برای حل مشکل عبادات مکروهه این راه حل را ذکر کردند و دیگر تفصیل و جزئیات را متعرض نشدند، آنها کدام تصویر را گفتند و باید ببینیم که راهی که آنها گفتند در همه اقسام جاری است یا فرق می کند که باید بحث کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»